



بررسی رویکرد نمادگرایی در معماری اسلامی نمونه موردی عدد هفت از اعداد مقدس

محمدعلی غریب دوست*

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری از دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس ایران

Gharibdoost@live.com

چکیده

از دیرباز بکارگیری نمادها در هنر و معماری مورد توجه بوده است، شاید بتوان ادعا کرد که یکی از مؤلفه‌هایی که معماری را ماندگار می‌سازد و آن را از یک هنر زیبا به یک هنر کامل و ماندگار بدل می‌کند، امکان بهره‌گیری این هنر از نمادها و سمبل‌ها در آن است، همچنان که معماری خود می‌تواند محل تولد یا بلوغ یک اثر سمبلیک نیز باشد. اعداد مقدس به‌عنوان یکی از جلوه‌های نمادین هستند که با به‌کارگیری آن‌ها می‌توان یک مفهوم معنوی خاص و جادویی را به اثر بخشید که خارج از زیبایی ظاهری، به آن زیبایی باطنی و جلوه‌ای معنوی نیز ببخشد، بدون آنکه به کارکرد، ضرورت‌های ساختاری و مهندسی و مؤلفه‌های تابع اقلیم آن، خدشه‌ای وارد شود. در این میان به‌کارگیری اعداد نمادین که در هر المانی می‌گنجد، امری است ممکن و مشهود. در این مقاله سعی بر آن است که به نقش نمادین عدد هفت به‌عنوان یکی از اعداد مقدس پرداخته و ریشه‌ی نمادین آن را به شکلی خلاصه پی بگیریم، همچنین به مثال‌هایی از بکارگیری این عدد در معماری و معماری اسلامی که ظن آن می‌رود که آگاهانه نیز بوده باشد، اشاره خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: معماری اسلامی، اعداد مقدس، نماد، هفت



مقدمه

نمادین بودن اعداد و داشتن بار معنایی عمیق برای اعداد مشخص، پیشینه بسیار دیرینه‌ای در تاریخ دارد. گاه نمادها به شکلی خودآگاه درک می‌گردند و گاه به شکل ناخودآگاه اثربخش هستند، اما به هر ترتیب نمادها بُعدی متفاوت را به اثر هنری بخشیده و گویی آن را صاحب اصالت و ریشه می‌کنند. از منظر هستی‌شناسی اسلامی، هستی از عوالم چندگانه‌ای تشکیل شده است که در پایین‌ترین مرتبه عالم، ماده و طبیعت و در بالاترین آن، ذات الهی وجود دارد. در این میان، عالم مثال یا ملکوت قرار دارد. با چنین باوری معنای هر چه در عالم خاکی دیده می‌شود را در عوالم بالاتر باید جستجو کرد. از این منظر هر پدیده‌ای در عالم طبیعت، سایه و تصویری از حقیقتی در عوالم بالاتر دارد. به عبارت دیگر، وجود هر شیء، در عالم ماده، آیه، نماد و نشانه‌ای از وجودی عظیم‌تر در عوالم بالاتر است و هر جزء از عالم طبیعت، به منزله آیینی‌ای است که صفتی از صفات خداوند را به تصویر می‌کشد. نگرش آیه‌ای به عالم طبیعت در هنر و معماری اسلامی بازتاب یافته است و معماران مسلمان به روش‌های مختلف به تصویرگری نمادین عالم ملکوت پرداخته‌اند. تصویر باغ بهشت، استفاده از معنای نمادین آیین آب و نقش نور، توجه به معنای رنگ‌های گوناگون و استفاده از نقش نمادین اعداد در هندسه‌ی بنا و آرایه‌ها، نمونه‌هایی از این دست‌اند. بر این اساس می‌توان اساس نمادپردازی در معماری دوران اسلامی را بازخوانی مفهوم آثار، با توجه به معنای آن‌ها در عالم مثال دانست. در معماری اسلامی، این امر به دو روش کلی انجام می‌شود. روش نخست، محسوس کردن عالم مثال است که در این روش کیفیت موجود در عالم مثال به نحوی که قابل درک با حواس پنج‌گانه این جهانی باشد، به مخاطب ارائه می‌گردد. استفاده از تصور باغ بهشت، نمود آینه، استفاده از سایه و نور نمونه‌های این تصویرسازی زمینی از بهشت مثالی هستند. روش دیگر که روشی متعالی‌تر و رمزآلودتر است، «عروج اندیشه به عالم مثال» یا بالاتر رفتن از عالم محسوسات است که به کمک تعقل میسر می‌گردد. تفکر عقلایی در این زمینه به معنای جستجوی روابط درونی و ذهنی میان عناصر مختلف معماری است (۱).

اعداد در این دیدگاه، ماهیتی ملکوتی داشته و وجودی مقدس تعبیر می‌شوند که با انتقال معانی مثالی از ظاهر به باطن، زمینه حرکت باطنی مخاطب را فراهم می‌سازند. این امر معمولاً به وسیله روشی رمزآلود انجام می‌شود که مبتنی بر تکرار اعداد خاص و ایجاد تناسب است. بر این اساس، تکرار اعداد با کیفیت‌های متفاوت موجب ایجاد تناسب می‌شود. این تناسب عددی، با ورود به عالم هندسه، به صورت اشکال خود را به نمایش می‌گذارند و از این طریق کیفیات مستتر در اعداد، در قالب اشکال ظهور می‌یابند (۲). اساس چنین رویکردی را می‌توان در نقش نمادین شدن اعداد مقدس در معماری اسلامی دانست که در ادامه تشریح می‌گردد.

روش تحقیق

روش پژوهشی مورد استفاده در این مقاله، روش توصیفی، تاریخی و تحلیل داده‌ها و تطبیق و مقایسه آن‌ها با یکدیگر بوده است. روش گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و فیش‌برداری و کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از مشاوره‌ی اساتید بوده است. ابتدا با رویکرد کلی نمادگرایی و موضوعات مرتبط به آن، متناسب با اطلاعات در دسترس و برحسب علاقه‌ی شخصی به جمع‌آوری اطلاعات کلی پرداخته شد؛ سپس با شکل‌گیری سؤال کلیدی؛ «آیا از اعداد مقدس به شکل نمادین، در معماری هم چون ادبیات ما، بهره‌ای برده شده است؟»، موضوع مقاله انتخاب شده و شروع به جمع‌آوری اطلاعات از کتب، مقالات، سایت‌ها و با پرس‌وجو از اساتید، در پی پاسخی برای سؤال خود بوده و موضوع پی گرفته شد و روند گام‌به‌گام وابسته به موضوعات محوری کمک‌کننده، به لطف خداوند پیش رفت و بر جزییات آن افزوده شد.



رمز و نماد

به دلیل وسعت قلمرو مورد استفاده نماد، تعاریفی متفاوت، از آن ارائه شده است. شایسته است، در ابتدا به تعریف واژه رمز و نماد اشاره شود.

تعریف لفظی و اصطلاحی نماد (Symbol)

این کلمه در فرهنگ لغات سخن این چنین معنا شده است: نشان یا علامتی بامعنای خاص؛ سمبل؛ نشانه‌ای نوشتاری یا چاپی که برای بیان هدف یا منظوری خاص به کار می‌رود. نظیر نشانه‌هایی که در موسیقی، ریاضیات و مانند آن‌ها به کار می‌رود (۳).

نماد در فرهنگ لغات دهخدا و معین به معنی فاعلی که نماینده یا ظاهر کننده باشد، هم بیان شده است. سمبل در لاتین به معنای علامت هویت و شناسایی بوده، یعنی به شیء دونیمه شده اطلاق می‌گشت که دو تن به نشانه پیوند یا پذیرایی و مهمانداری با خود داشتند تا دارنده هر نیمه چون به دارنده نیمه دیگر رسید، وی را برادر با خود، برابر شمرده بیگانه نداند (۴).

دی یل، نماد را ابزار دقیق و صیقلی یافته‌ی زبان می‌داند که جوهره‌ی آن تطابقی است که با جهان درونی (اعم از شدت یا کیفیت)، در تقابل با جهان بیرونی (از جهت گستردگی و کمیت)، دارد. دی یل در این مورد با گوته هم عقیده است که در نماد هر مفهوم جزئی نماینده‌ی مفهومی کلی است؛ اما نه مانند یک سایه، بلکه بسان مکاشفه‌ای ناگهانی نسبت به رازی بزرگ و مرموز (۵).

برای اینکه ما بتوانیم معانی نمادها را کشف نماییم، نیازمند به رمزگشایی از قالب ظاهری و نمادین آن‌ها هستیم، اما رمز به چه معنا است.

این کلمه در فرهنگ لغات سخن نیز این چنین معنا یافته است:

آنچه پوشیده است؛ راز؛ سر، آنچه می‌تواند پوشیدگی و مخفی بودن امری را بیان کند یا آن را بگشاید، یا با بکار بردن نشانه‌های قراردادی، مسئله، مشکل یا موضوعی را حل کند، سمبل، ایما، اشاره، معنی باطنی که در کلام ظاهری است و غیر از آگاهان از این قبیل معانی، کسی بر آن وقوف ندارد (۶).

از ویژگی‌های رمز، نقش تمثیل یا قیاس (حکم بر چیزی بر اساس مشابهت و تناسب با چیز دیگر) است که در رمزشناسی بسیار مهم است و فهم دقیق این موضوع می‌تواند کلید دانش رمزشناسی باشد و به‌طور کلی مبنای نمادها و سمبل‌ها، تشابه و تناظر بین دو چیز است که یکی از آن‌ها به عالم مادی و دیگری به عالم معنوی تعلق دارد.

رمزشناس برجسته رنه آلو اعمال مختلف فرآیند تمثیلی در رمزگرایی را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱- اتصال دال و مدلول، به روشی دلخواه و من‌عندی، به وساطت علامتی قراردادی که از پیش معنایی ثابت دارد که آن را شیوه رمزگرایی سنتمی (Synthematique) می‌نامد.

۲- اتصال دال و مدلول، بی‌آنکه در ارتباط میان آن‌ها، معنا یا معانی مدلول، مقدمه به روشی واضح، تثبیت و مشخص و معین شده باشد که آن را شیوه رمزگرایی استعاری، مجازی یا تمثیلی می‌نامد.

۳- اتصال دال و مدلول به وساطت اصل یا مصدر معنا بخش متعالی که مأخذ و مرجع و عین ثابت است؛ به دو گونه، اول برحسب رابطه فاعلی میان آن‌ها که در این صورت، مرجع مربوط، چون الگو و سرمشق و اسوه عمل می‌کند؛ و دوم برحسب رابطه‌ای انفعالی میان آن‌ها، که در این حال مرجع فقط اثر می‌گذارد؛ که آن را شیوه رمزگرایی بررونده و بالا جوی (Anaphorique) یا نمونه شناختی (Typologique) می‌نامد (۷).

بنابراین «نماد امری مبهم و گنگ یا حاصل از یک گرایش احساسی نیست، بلکه نماد، زبان و لسان روح است.» (۸)



استفاده از اعداد تمثیلی و نمادین

در دانش نمادپردازی، اعداد، صرفاً بیان‌کننده‌ی کمیت‌ها نیستند؛ بلکه هر عدد نیروهای تصویری و ویژگی‌های خاص خود را دارد. می‌توان گفت ارقام واقعی، تنها ظواهر بیرونی‌اند. تمامی اعداد، از عدد یک پدید می‌آیند. عدد، هر چه از وحدت دور شود، در مسیر پریپیچ‌وخم زمان بیشتر و ژرف‌تر، گرفتار ماده می‌شود. ده عدد نخستین، در نظام یونانیان (دوازده عدد، در سنت مشرق زمین) به روح وابسته‌اند؛ یعنی: جوهر، کهن‌الگو و نماد به شمار می‌روند. باقی اعداد، محصول ترکیب این اعداد نخستین‌اند (۹).

یونانیان به نمادپردازی اعداد بسیار توجه داشتند. برای مثال، فیثاغورس (Pythagoras) عقیده داشت که: «اشیا بر مبنای اعداد ترتیب یافته‌اند». افلاطون (Plato)، عدد را جوهر هماهنگی و هماهنگی را بنیاد جهان و انسان می‌دانست و می‌گفت که حرکات هماهنگ، «به چرخش‌های آرام روح ما می‌مانند» (۱۰).

منطق جدید نمادین و نظریه‌ی گروه‌بندی‌ها، اندیشه‌ی کمیت را، پایه‌ای برای کیفیت می‌داند. پیرس (pierce) پیشنهاد می‌کند که قوانین طبیعت و قوانین روح انسان، بر همین اصول پایه‌ریزی شده‌اند و هر دو، در امتداد همین خطوط می‌توانند ترتیب یابند (۱۱).

استفاده از حروف و اعداد تمثیلی، یکی از روش‌های ورود به عالم مثالی است که برای ادراک ساحت‌های متعالی وجود به کار گرفته می‌شود. فیثاغورث و پیروانش معتقد بودند که اعداد صرفاً به دلیل جنبه کمی نیست که اهمیت دارند، بلکه دارای جنبه کیفی نیز هستند و این جنبه کیفی اعداد است که آن حال و هوا و احساس را در ترکیباتشان ایجاد می‌کند. ریشه‌های نظری این موضوع در آرا بسیاری از فلاسفه قدیمی مانند آکویناس حضور داشته و بعدها توسط فلاسفه اسلامی مانند اخوان‌الصفا نیز توسعه یافته است. این اندیشمندان معتقد بودند که جهانی که تعیین پیدا کرده و در آن زندگی می‌کنیم بر اساس اعداد شکل گرفته است. به عقیده آنان پایه جوهری عالم، اولین فیض بر نفس (۱۲) و زبان توحید و تنزیه، عدد است (۱۳).

از این منظر «علم عدد، بر طبیعت حکم‌فرما است. اعداد خود نخستین افاضه روح بر نفس‌اند و اصل موجودات و منشأ همه علوم می‌باشند... هر عدد باطن یا ذاتی دارد که از دیگری متمایزش می‌کند. این باطن تجسمی از وحدت است که عدد را مداوماً به سرچشمه آن پیوند می‌دهد» (۱۴). چنین برداشتی از اعداد و اشکال به کلی با نگرش کمی نسبت به ریاضیات که از رنسانس رایج شد و امروزه در معماری متجدد رواج دارد، متفاوت است.

بسیاری از اعداد مانند بسیاری از مظاهر طبیعی و غیرطبیعی دیگر جنبه نمادین گرفته و از قداست برخوردار شده‌اند و به‌عنوان نمادهای قدسی مورد استفاده قرار می‌گیرند و شاید به‌واسطه همین اعداد، رمز بسیاری از رمزهای جاودانه، شکسته شود (۱۵).

فیثاغورث و پیروانش متذکر شده‌اند: «تمام جهان هستی بر اساس اعداد ساخته و پرداخته شده‌اند» (۱۶).

جنبه نمادین عدد هفت

از جمله مواردی که عدد هفت به‌عنوان عنصری همیشگی، جایگاهی ویژه در زندگی ما یافته است، عبارت است از: ۱- هفت روز هفته ۲- تقسیم جهان به هفت اقلیم ۳- هفت‌رنگ رنگین‌کمان ۴- هفت هنر ۵- هفت نت موسیقی ۶- عجایب هفت‌گانه ۷- هفت‌آسمان

هر کدام از حروف یا نماد «حرفی» عدد هفت را می‌توان تداعی‌کننده‌ی سیر آفرینش کائنات محسوب داشت. بدین‌صورت که: «ه» را تداعی‌گر (=هستی)، «ف» را (=فرسایش) و «ت» را (=تباهی) دانست (۱۷).

عدد هفت نزد همه‌ی اقوام، رقم کامل و تمام، پنداشته شده زیرا از رقم «یک» مظهر یگانگی و رقم «دو» مظهر دوگانگی که بگذریم، ارقام سه و چهار به ترتیب، اعداد مذکر و مؤنث‌اند و حاصل جمع شدن آن‌ها، رقم «هفت» است که مزیتش در همین است. (چون هیچ‌کدام از عناصر نرینه و مادینه به‌تنهایی کامل نیستند). در واقع اعداد زوج به دلیل تقسیم‌پذیری‌شان، همیشه مؤنث در نظر آمده‌اند و اعداد فرد، مذکر. هفت، نماد یک نظام کامل، یک دوره، یا چرخه‌ی تمام است (۱۸).



تجلیات قدسی عدد هفت

تجلیات قدسی عدد هفت با به کارگیری در جنبه‌های نمادین معنی می‌یابد. هفت، با هفت جهت فضا (شش بعد هستی به اضافه‌ی مرکز) (۱۹)، با ستاره‌ی هفت پره و با ترکیب مربع و مثلث، توسط قرار گرفتن مثلث روی مربع (آن‌گونه که آسمان روی زمین قرار گرفته) یا محاط کردن آن، برابراست. هفت، عددی است شکل‌دهنده‌ی مجموعه‌ی اصلی نت‌های موسیقی، رنگ‌های رنگین کمان و کره‌های سیاره‌ای (۲۰)؛ و نیز خدایانی که با آن‌ها مطابقت دارند؛ همچنین گناهان کبیره و فضیلت‌های هفتگانه (۲۱).

هفت، در اندیشه عارفان آن‌گونه است که گویی هفت راه رسیدن به رستگاری است. سمنانی که از عارفان ایرانی سده چهاردهم است، تناسبی میان هفت مرحله روح و هفت‌رنگ و هفت پیامبر بیان کرده است که تاندازه‌ای به رنگ‌های نظامی نزدیک است. در نظر او هر یک از این رنگ‌ها، مرتبه‌ای معنوی از تعالی روح را نشان می‌دهد ۱- آدم وجود تو، خاکستری تیره ۲- نوح وجود تو، آبی ۳- ابراهیم وجود تو، سرخ ۴- موسای وجود تو، سپید ۵- داوود وجود تو، زرد ۶- مسیح وجود تو، سیاه درخشان ۷- محمد وجود تو، همچون سبز زمردین است (۲۲).

طرح کلاسیک س. اوپلسون با هفت مرحله تزکیه نفس ارتباط دارد ۱- در نفس اماره، جان جهانی، پیروز است ۲- نفس لوامه، جان خود را سرزنش یا توبه می‌کند ۳- نفس ملهمه، جان الهام می‌گیرد ۴- نفس مطمئنه، جان آرام می‌گیرد ۵- نفس راضیه، جان را خدا راضی می‌کند ۶- نفس مرضیه، جان خدا را راضی می‌کند ۷- نفس صافیه، جان پاک و کامل است (۲۳).

شاعران بزرگ ایران زمین، با استفاده از این عدد، به آموزندگی و بیدارسازی خواننده توجه داشته‌اند و خواننده ژرف‌نگر در عرفان می‌تواند معرفت و شناختی راستین را که در لابه‌لای این سروده‌ها پوشیده است دریابد. هفت‌خوان رستم اثر جاودانه‌ی فردوسی و هفت شهر عشق یا هفت وادی طریقت عطار و هفت‌پیکر از نظامی از آن جمله‌اند که آموزشی معنوی و تعبیری خاص از معنای جهان را از رهگذر تصاویر داستان‌هایشان با کمک گرفتن از اثر نمادین عدد هفت بیان می‌کنند و مثال‌های فراوان دیگر در اشعار پارسی که نمونه‌های آن بسیارند.

آنکه هفت‌اقلیم عالم را نهاد
هرکسی را آنچه لایق بود، داد.
سعدی (۲۴)

دلی دارم که با هر کس به جنگ است بر او پهنای هفت‌اقلیم تنگ است
وحشی بافقی (۲۵)

در اندیشه اساطیری گذشتگان، آبادی‌های روی زمین به هفت بحر تقسیم‌شده و به هر بحر اقلیمی گفته می‌شد. اقلیم از قلم گرفته به معنی جدا کردن است. هفت‌کشور عبارت‌اند از: هندوستان، عربستان، مصر و شام، ایران، روم، ترک، چین و ماچین (۲۶).

در اساطیر گذشتگان، گردش هفت‌سیاره که دنیای ما را هفت‌رنگ می‌کرد، در یک‌لحظه زمان و سرنوشت را می‌آفرید، اما برای نفرین‌شدگان این هفت‌سیاره به‌جای نمادی از لطف الهی، چهره‌های خشم الهی را به نمایش می‌گذارند (۲۷). اما در ادیان الهی مخصوصاً فرهنگ اسلامی نیز عدد هفت ریشه و اهمیت خاصی دارد که شاید بتوان یکی از علل اصلی تعدد به‌کارگیری و گسترش بهره‌گیری از این عدد رمزآلود را، در همین ریشه‌ی اصیل آن نیز دانست که به این عدد نمادین قداستی خاص بخشیده است.



از جمله نمونه‌های به‌کارگیری نمادین این عدد برای مسلمانان عبارت است از:

- ۱- هفت بار طواف برگرد کعبه ۲- هفت‌سنگ در رمی جمرات در احکام حج ۳- هفت مرتبه سعی بین صفا و مروه در احکام حج ۴- هفت طبقه جهنم یا هفت درب جهنم ۵- سبع المثانی در قرآن ۶- هفت‌آسمان در قرآن ۷- هفت عضو که در سجده باید روی زمین باشند.

نام بردن تمامی کاربردهای بی‌شمار هفت‌تایی‌ها، حتی به‌طور خلاصه یا موجز، یا شیوه‌هایی که این نمونه‌ی کیهانی در اسطوره‌ها، افسانه‌ها، داستان‌های عامیانه و رؤیاها یا در ماجراهای تاریخی، آثار هنری و نظایر آن به کار گرفته می‌شود، غیرممکن خواهد بود. طرح‌های هفت‌تایی، گاه دارای نمادپردازی پیچیده‌ای می‌شود؛ برای مثال، ایزدان سیاره‌ای در هیئت شرورانه یا روزهای هفته، هنگامی که بر مبنای مخاطرات معنوی متصور می‌شوند (برای مثال در شکل اژدهای هفت‌سر) و گاه نیز، این طرح‌ها نمودی از نظام آسمانی می‌یابند (مانند شمعدان‌های هفت شاخه در معبد سلیمان) (۲۸).

پیشینه عدد هفت و نقش نمادین آن در معماری

بهره‌گیری از عدد هفت در نقشی نمادین پیشینه‌ی قدیمی و وسیعی دارد که در اینجا به بخش کوچکی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

«باغ‌های معلق بابل» منسوب به بخت‌النصر که خود یکی از عجایب هفتگانه جهان است، در هفت طبقه ساخته شده بود و «معابد کلد و آشور» نیز به صورتی ساخته می‌شد که گویی هفت سکو را که یکی از دیگری کوچک‌تر است، بر روی هم چیده باشند و هر طبقه از آن به یکی از سیاره‌ها منسوب بود و به رنگ ویژه‌ی آن سیاره نیز رنگ‌آمیزی می‌شد. بنای «آرامگاه کوروش» نیز دارای چنین ساختمانی با همان هفت طبقه است و چنان‌که در «تاریخ هردوت» آمده، دیاکو، پادشاه ماد در هگمتانه یا همدان، کوشکی ساخت که دارای هفت حصار بود که به ترتیب هر دیوار از دیوار پیشین خود بلندتر بود، به طوری که آخرین دیوار که در داخل قرار می‌گرفت، از همه بلندتر و کاخ شاهی و گنجینه‌ی او در آنجا بود. کنگره‌های هر دیوار به رنگی مزین بود، کنگره‌های نخستین دیوار بیرونی سفید، دومی سیاه، سومی سرخ، چهارمی آبی، پنجمی نارنجی، ششمی نقره‌ای و هفتمی طلایی؛ و این‌ها همان رنگ‌هایی بود که در بابل به‌عنوان علامت «سیارات سبعة» شناخته می‌شد (۲۹).

عدد هفت در معماری اسلامی

جالب‌توجه‌ترین استفاده اولیه از عبارات قرآنی در ابنیه، در «قبه الصخره»؛ (تاریخ ساخت ۷۱ ه.ق، ۶۹۱ م) بیت‌المقدس به چشم می‌خورد، که ۲۴۰ متر از کتیبه‌های اموی در هر سمت گنبد هشت‌گوش، به هفت قسمت نامساوی تقسیم می‌شود و هر یک از آن‌ها با عبارت معروف بسم‌الله الرحمن الرحیم آغاز می‌شود (۳۰).



شکل ۱: قبه الصخره (The Dome of the Rock _Wikipedia_Andrew Shiva _ 2013)

مسجد نصیرالملک

در ورودی دارای طاق نمایی بزرگ است که سقف آن با کاشی‌های هفت‌رنگ، مزین گشته است. ازاره طاق‌نمای آن از سنگ گندمک است و طاق‌نمای ورودی آن دارای مقرنس‌کاری زیبایی، از کاشی هفت‌رنگ است. همچنین این شبستان دارای هفت درگاه است که آن را به صحن مسجد مرتبط می‌کند، با هفت در چوبی که دارای شیشه‌های رنگارنگ است.



شکل ۲: ایران، شیراز، مسجد نصیرالملک

(Nasir al- mulk mosque, Shiraz _Wikipedia_MohammadReza Domiri Ganji_ 2013)

شبستان شرقی که شبستان زمستانه است، نیز دارای سقفی کاشی‌کاری شده است و دارای هفت ستون است که ستون‌های آن ساده (بدون شیار) است و در وسط قرار گرفته‌اند، سقف آن نیز با کاشی‌کاری معقلی تزیین شده است. در جلو این



شبستان ایوانی به عرض ۶ متر قرار دارد که به وسیله ۸ طاق نما از حیاط جدا می شود و دارای ۷ جرز آجری است. بر روی این جرزها و در پیشانی طاق نماها آیات قرآنی و نقش های گل و بوته کاشی کاری شده است [۳۱].

نتیجه گیری

هدف از به کارگیری نمادها خلق اثری است که با حقیقت پیوند می خورد و هر جا حقیقت ظهور کند، زیبایی نیز ظاهر می شود، بر همین اساس ادراک زیبایی سه مرحله دارد:

۱- ادراک حسی که به واسطه‌ی حواس صورت می گیرد و دورترین ادراک از لذت حقیقی محسوب می شود.

۲- ادراک خیالی که صورت محبوب در خیال شخص ثبوت می یابد، ولی قطع شدنی است.

۳- ادراک عقلی که ادراک حقیقی است، به بقای ذات باقی و در اختلاف حالها ثابت است (۳۲).

همچنان که در طراحی یک اثر معماری به زیبایی ظاهری، پایداری و ایمنی برگرفته از نظام مهندسی توجه می کنیم و از اقلیم و زمان و مکان آن و همچنین از فرهنگ جامعه‌ی خود تمکین می کنیم و کارکرد و کاربری را هم در نظر می گیریم؛ در بُعد معناشناسی و با توجه به مفهوم گرایی و نمادها، می توانیم به اثر خود غنائی درونی و اعتباری حاصل از وصال با دنیای معنا، ببخشیم و به زیبایی حقیقی و جاودانگی برای اثر معمارانه ی خود، دست یابیم.

هنرمندان از جمله معماران، با بکارگیری و بهره برداری از تأثیرات نمادها در آثار خود قادر خواهند بود که آثاری متوازن، همگون و متناسب و متعادل، هم در بُعد ظاهری و هم در بُعد درونی (معنا بخشی و نمادین) شکل دهند، در این بین نقش اعداد مقدس و نمادین چون عدد هفت، به شکل پررنگ تری مشهود خواهد شد، چراکه هر موجودی در تعداد می گنجد و از یک به معنای وحدت و یگانگی تا بی نهایت و کثرت پیش می رود، حال بهره گیری از اعداد مقدس در نقوش، المانها یا عناصرها، هر یک می تواند معنا و مفهومی زیبا و متفاوت از جنس یگانگی حقیقت را خلق کند که در ورای کالبد ظاهری، روحی باطنی نیز در ظرف آن بگنجانند و القایی معناگرایانه داشته باشد، چنانکه آدمی را با عالم معنا پیوند زند و او را در ظاهر و تعدد سردرگم کننده‌ی عالم کثیر محسوسات، وانگدارد، بدین منظور بهره بردن از نمادها و به شکل نمونه، انتخاب گزینشی اعدادی خاص که لقب مقدس دارند و پیشینه و معانی ژرفی در درون خود پنهان داشته اند، در معماری و به طور ویژه در معماری اسلامی، توصیه می شود.

در این مقاله به طور مختصر تلاش شد، عدد هفت و سابقه نمادین آن مورد بررسی قرار گیرد و همچنین نمونه هایی از بهره گیری این عدد در هنر معماری بیان شود. امید است، معناگرایی در معماری و معماری معناگرا، بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

هفت آسمان را بر درم وز هفت دریا بگذرم

چون دلبرانه بنگری در جان سرگردان من

مولوی (۳۳)

قدردانی

در انتها بر خود لازم میدانم که از اساتید خود که راهنما و یاری رسان من در این امر بودند، کمال تشکر را داشته باشم، اساتید بزرگوار، جناب آقای دکتر هاشم پور مافی و سرکار خانم محمودی استادان بزرگوارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس.



مراجع

- [۱] اهری، زهرا، مکتب اصفهان در شهرسازی: دستور زبان شالوده شهری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، (۱۳۸۵)
- [۲] اردلان، ناصر، لاله، بختیار، حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی؛ ترجمه حمید شاهرخ، خاک، اصفهان، (۱۳۸۰)
- [۳] انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، جلد هشتم، انتشارات سخن، تهران، (۱۳۸۱).
- [۴] ستاری، جلال، رمز اندیشی و هنر قدسی، نشر مرکز، تهران، (۱۳۷۶ ش)
- [۵] سرلو، خوان ادواردو، فرهنگ نمادها، مترجم مهرانگیز اوحدی، دستان، تهران، (۱۳۸۸).
- [۶] انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، جلد چهارم، انتشارات سخن، تهران، (۱۳۸۱).
- [۷] ستاری، جلال، رمز اندیشی و هنر قدسی، نشر مرکز، تهران، (۱۳۷۶ ش).
- [۸] بلخاری قهی، محمد، مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، نشر سوره مهر، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران، (۱۳۸۴).
- [۹] Papus. La Science des nombres. paris, 1934.
- [۱۰] Ghyka, Matila. Philosophie et mystique du nombre. Paris, 1952.
- [۱۱] Ghyka, Matila. Philosophie et mystique du nombre. Paris, 1952.
- [۱۲] Bachelard, Gaston. L'Eu et les Reves. Paris, 1942.
- [۱۳] Bachelard, Gaston. L'Air et les Songes. Paris, 1943.
- [۱۴] Bayley, Harold. The Lost Language of Symbolism. London, 1912 (repr.1951).
- [۱۵] معین، محمد، تحلیل هفت‌پیکر نظامی، دانشگاه تهران، (۱۳۸۴).
- [۱۶] سرلو، خوان ادواردو، فرهنگ نمادها، مترجم مهرانگیز اوحدی، دستان، تهران، (۱۳۸۸).
- [۱۷] محلاتی، مؤید شریف، هفت در قلمرو فرهنگ جهان، نقش جهان، (۱۳۳۷ ش).
- [۱۸] ستاری، جلال، رمز اندیشی و هنر قدسی، نشر مرکز، تهران، (۱۳۷۶ ش).
- [۱۹] Berthelot, Rene. La pensee de la mitologia. Barcelona, 1949.
- [۲۰] Star, Ely. Les Mysteres du verbe. Paris, 1908.
- [۲۱] Oritz, Fernando. El Huracan. Mexico, 1947.
- [۲۲] بری، مایکل، تفسیر مایکل بری بر هفت‌پیکر نظامی، ترجمه جلال علوی نیا، نشر نی، تهران، (۱۳۸۵ ش).
- [۲۳] بری، مایکل، تفسیر مایکل بری بر هفت‌پیکر نظامی، ترجمه جلال علوی نیا، نشر نی، تهران، (۱۳۸۵ ش).
- [۲۴] سعدی، مواعظ، مثنویات، (شماره ۳۶).
- [۲۵] وحشی بافقی، فرهاد و شیرین، (در صفت مرغزاری که شیرین در آنجا آسایش نموده و گفتگوی او با دایه در ستایش حسن خویش).
- [۲۶] محلاتی، مؤید شریف، هفت در قلمرو فرهنگ جهان، نقش جهان، (۱۳۳۷ ش).



- [۲۷] بری، مایکل، تفسیر مایکل بری بر هفت پیکر نظامی، ترجمه جلال علوی نیا، نشر نی، تهران، (۱۳۸۵ ش).
- [۲۸] سرلو، خوان ادواردو، فرهنگ نمادها، مترجم مهرانگیز اوحدی، داستان، تهران، (۱۳۸۸).
- [۲۹] گومار، علیرضا، چرا عدد ۷ مقدس است، سایت درخت دانش، (۱۳۹۱). (<http://drakhtdanesh.persianblog.ir>)
- [۳۰] گرابار، الگ، استاد دانشگاه هاروارد، هنر معماری و قرآن، ترجمه حسن رضایی هفتاد، دو فصلنامه اسلام پژوهی، شماره اول، پاییز و زمستان (۱۳۸۴).
- [۳۱] همایونی، پریسا، مقاله‌ی «مسجد نصیرالملک شیراز، مسجدی از نور و رنگ»، سایت اینترنتی کجا رو، آذر (۱۳۹۴). (<http://www.kojaro.com>)
- [۳۲] ابن دباغ، عبدالرحمن بن محمد الانصاری، مشارق انوار القلوب و مفاتیح اسرار الغیوب، تحقیق پروفیسور هریتز. مترجم قاسم انصاری، چ ۱، طهوری، تهران، (۱۳۷۹).
- [۳۳] مولوی، دیوان شمس، غزلیات